

# اعجاز اخلاقی در سیره نبوی

حسین طاهری وحدتی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مجله مشکوة

## چکیده

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سرزمینی به رسالت برانگیخته شد که مردم آن از توحید و مسائل انسانی - اخلاقی دور شده بودند. در چنین شرائطی پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ و پیام رسانی خود را با فرمان خداپرستی آغاز کرد و در ادامه با شیوه‌های دقیق و حساب شده به تغییر بنیان نگرش انسان جاهلی پرداخت و جامعه بدوی عرب را به مدنیتی پر فروغ تبدیل نمود. فرضیه این نوشتار به استناد حدیث «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» آن است که روش و منش روحی و اخلاقی رسول الله صلی الله علیه و آله مؤثر عمده و اساسی در فرایند این تغییراتی اجتماعی بوده است و در جای جای آن می‌توان حضور این عامل تعیین‌کننده را احساس کرد.

## اشاره

کرد و شرط اصلی رستگاری را موحد شدن اعلام نمود<sup>۱</sup>. جریان مخالف اسلام که منافع خود را در معرض زوال می‌دید، به مواجهه برخاست و با شیوه‌های گوناگون، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا دیروز امین می‌خواند<sup>۲</sup>، به تهمت‌های ناروا متهم ساخت؛ اما مگر

حضرت محمد صلی الله علیه و آله یگانه عالم آفرینش و خاتم پیامبران، فصلی از تاریخ را رقم زد که همه سعادت و کمال‌یافتگی انسان در آن به تثبیت رسید. نهضت و حرکت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با آغاز بعثت، زمینه‌ساز تحوّل عظیم در دنیای آن روز گردید و افکار و اندیشه‌ها متوجه کانون این رستاخیز شد. رسول الله صلی الله علیه و آله دعوت خود را با توحید آغاز

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱۴.

چراغی که خداوند برافروخته، خاموش شدنی است!

آنچه در این سال‌های اخیر در غرب اتفاق افتاد، تداعی‌کننده برخورد جاهلیت عرب با پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد؛ اما جای این پرسش هست کسانی که خود را مدعی عقلانیت، مدنیت و حقوق بشر می‌دانند، چگونه به خود اجازه می‌دهند با معتقدات پیش از یک میلیارد مسلمان به رویارویی برخیزند. گویا جای این تحدی برای مسلمانان وجود دارد اگر شما در وجود نازنین رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شک دارید، «فاتوا بمثلها»؛ همانند او را در سابقه تاریخی خود نشان دهید. غرب هرگز نمی‌تواند انکار کند که اندیشمندان زیادی از خود آنان در برابر شخصیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر تواضع زانو زده‌اند و روح مهربان و خلق زیبای او را ستوده‌اند که به یک نمونه اشاره می‌شود. نویسنده کتاب زندگی‌نامه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این‌گونه اظهار می‌دارد:

«برای ما سنگین است که قبول کنیم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای پیشبرد اهداف دینی خود مجبور به جنگ و سیاست‌بازی گردیده است. اسلام دین شمشیر نامیده می‌شود، تفکری که روحانیت واقعی را رها کرده و به عوض آن به خشونت و مداراناپذیری جنبه

تقدّس و معنویت داده است. این تصویری است از یک اسلام متعصّب و خشک در نزد مسیحیان غرب که به زمان قرون وسطی برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که خود مسیحیان در حال جنگ‌های صلیبی در خاورمیانه بودند و این جنگ‌ها را مقدس برمی‌شمردند. امروزه نیز رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب‌ها مرتباً از شمشیر اسلام و خشونت مقدس یا ترور مقدس صحبت می‌کنند؛ اما این یک وارونه‌نگری محض است.»

وی در بخش دیگری از کتاب می‌نویسد: «بی تردید محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایده برادری را خود در عالی‌ترین سطح در اعمال و رفتار خود به نمایش می‌گذارد.... در هنگام نماز جمعه اگر صدای گریه کودکی را می‌شنید، سعی داشت تا مراسم نماز را زودتر به پایان رساند؛ زیرا هیچ وقت طاقت نداشت که مادر بچه را در نگرانی و خجالت ببیند.»<sup>۱</sup>

این سخنان، به قلم یک زن نویسنده غیر مسلمان است که مدعی می‌باشد در برابر گستاخی پاره‌ای از نویسندگان غربی (به‌ویژه آنچه پس از حادثه «سپتامبر اظهار شده است») می‌خواهد تصویری درست و واقعی از سیمای حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای جهانیان

۱- زندگی‌نامه پیامبر اسلام، ۲۱۹ و ۳۱۲.

عرضه نماید؛ لذا با این انگیزه دست به کار نوشتن کتابی شده است که به عقیده وی مسلمانان روشنفکر از آن استقبال کرده‌اند.

### تحول بزرگ

یادآوری این اظهارات نه از این باب است که شخصیت رسول الله ﷺ به چنین اعترافاتی از سوی غیر مسلمانان نیاز دارد چنان که جسارت‌ها و اهانت‌های آنان نیز کوچک‌ترین خدشه‌ای در حقیقت محمدیه وارد نخواهد ساخت، بلکه درآمدی است بر موضوع اصلی این نوشتار؛ یعنی اعجاز اخلاقی در سیره رسول الله که برّندگی آن به مراتب از شمشیر اسلام بیشتر بود. پیامبر اکرم ﷺ با سلاح اخلاق در جاهلیت عرب چنان تحوّلی به وجود آورد که حیرت جهانیان را برانگیخت. به شهادت تاریخ، هیچ کس در برابر شخصیت اخلاقی رسول الله توان مواجهه و برابری را نداشت. بی‌گمان پیامبر اعظم را باید بزرگ‌ترین هنرمند تاریخ بشری دانست. شخصیت والای او در امتداد تاریخ حضور دارد و اینک در عصر شکوفایی دانش و اطلاعات و فنّاوری، سیره نبوی می‌تواند گره‌گور و بزرگ اصلی انسان مدرن امروز را بگشاید و آرامش آرمانی شده را در متن زندگی فراروی او قرار

دهد. پیامبر اکرم ﷺ در جغرافیای جهل و بی‌خبری حجاز، بشر جدا شده و دور افتاده از فطرت خویش را به موطن اصلی باز گرداند و با آیات الهی ظلمت فضا را شکافت و با اقتدار به پیش رفت، تا توانست نام الله را بر بام جهان بنشانند و بت‌های ساخته ذهن انسان جاهلی را به زیر آورد. بذر توحید را در سرزمین خشک دل‌های پژمرده کاشت و آن را با مروارید اشک و خون دل آبیاری کرد و پس از بیست و سه سال رنج و تلاش، باغستان اسلام را به امانت، ارمغان آیندگان نمود.

### جاهلیت عرب

شناخت مختصات جامعه عرب جاهلی، بزرگی و عظمت کار پیامبر را بیشتر نمایان می‌سازد و این که حضرت محمد ﷺ با چه دشواری‌ها و مشکلات طاقت‌فرسایی روبه‌رو بود و از همه مهم‌تر کسانی که مدّعی ترویج و تبلیغ سنت نبوی هستند، چگونه می‌باید پا جای پای رسول الله بگذارند و به استقبال خطرها و دشواری‌ها بروند. امام علی‌علیه السلام به عنوان نزدیک‌ترین یار پیامبر اکرم ﷺ و آشناترین فرد به وضعیت اجتماعی - فرهنگی سرزمین حجاز، این‌گونه می‌فرماید:

«خداوند پیامبر ﷺ را در زمانی به رسالت برانگیخت که هیچ یک از پیامبران باقی نمانده بودند و خواب مردم در تاریکی، نادانی و گمراهی، طولانی گشته بود. فتنه‌ها برپا شده و آتش جنگ‌ها افروخته و روشنایی‌ها پنهان مانده بود. نادرستی‌های آن آشکار شده بود. برگش زرد گشته و مردم از ثمره آن سودی نمی‌بردند... نشانه‌های هدایت محو شده و پرچم‌های هلاکت آشکار شده. در این اوضاع، دنیا با منظره بدی به اهلش نگاه می‌کرد و به خواهان خود رو ترش کرده بود. ثمره‌اش فساد و تباهکاری و طعامش گوشت مردار بود. شعارش خوف و رویه‌اش شمشیر بود.»<sup>۱</sup>

امام علیه السلام در بخش دیگری از سخنان خود، مردم عرب را مورد خطاب قرار می‌دهد و به آنها گوشزد می‌کند شما پیش از این، با کدام فرهنگ و اخلاق زندگی می‌کردید و امروز چگونه هستید؟

«خداوند محمد ﷺ را برانگیخت تا بیم‌دهندهٔ جهانیان و امین وحی باشد؛ در حالی که شما ای گروه عرب بدترین کیش و بدترین خانه را داشتید و در میان سنگ‌های درشت و ماران سمی افسون‌ناپذیر زندگی می‌کردید و آب آلوده می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید و خون یکدیگر را

می‌ریختید؛ پیوند خویشاوندی را می‌بریدید. در میان شما بت‌ها پرستش می‌شد و گناه وجود شما را درهم پیچیده بود.»<sup>۲</sup>

جامعه‌ای را که امام علیه السلام وصف می‌کند، فاقد مناسبات انسانی و اخلاقی است. روابط انسان‌ها بر اساس توحید فطرت تنظیم نشده است. خودآگاهی فردی و اجتماعی وجود ندارد. ابعاد نفسانی آدم‌ها بر عقلانیت آنها فائق آمده و جنگ به جای صلح و زشتی به جای زیبایی نشسته است. در این میان، مردی از جنس رحمت قیام می‌کند و همه معادلات نادرست جاری و ساری در بستر چنین جامعه‌ای را درهم می‌ریزد. هنر رسول صلی الله علیه و آله این بود که علم را به جای جهل نشانند؛ دشمن را به دوستی تبدیل کرد؛ عشق را جایگزین نفرت نمود؛ خدایینی را جای خودبینی گذاشت؛ فروتنی را جانشین تکبر کرد؛ روحیهٔ پیمان‌شکنی عرب را به تعهد و وفاداری تغییر داد؛ و این همه به برکت شخصیت خدایی و اخلاقی حضرت رسول صلی الله علیه و آله تحقق یافت.

۱- الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، ص ۲۲۱، خطبهٔ ۸۸.

۲- فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه، ص ۱۱۳۶ (خطبهٔ ۲۶، نهج البلاغه، ترجمهٔ فیض الاسلام).

رسول الله ﷺ در تحقق اهداف بعثت، به والاترین مرحله کمال و توفیق دست یازید و با اعجاز وجودی خویش، قیامتی عظمی در جاهلیت عرب برپا کرد و انسان‌های به زنجیر کشیده را به موهبت آزادی و توحید رساند. این‌گونه است که مولوی در مثنوی ذیل آیه شریفه ﴿ يَا أَيُّهَا الْمَزْمُولُ ﴾، پیامبر اکرم ﷺ را به دمنده در صور در روز قیامت تشبیه می‌کند و کار او را همچون رستاخیزی می‌داند که در پرتو آن جهان‌های فراوانی حیات پیدا کرده‌اند:

چون تو اسرافیل وقتی، راست‌خیز  
رستاخیزی ساز پیش از رستاخیز  
هر که گوید کو قیامت ای صنم  
خویش بنما که قیامت نک منم  
در نگر ای سائل محنت‌زده  
زین قیامت صد جهان قائم شده<sup>۱</sup>

### گستره تحوّل

ابعاد این رستاخیز فرهنگی - اخلاقی، تنها به جامعه عرب محدود نشد و در ادامه حیات اسلام، چنان خیزش پیدا کرد که بسیاری از جوامع آن روز به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفت. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب به عنوان یک تحلیل‌گر مسائل تاریخی، در مقایسه مسیحیت با اسلام در

علائق دینی و دنیوی می‌نویسد:

«اساس تربیت اسلامی عبارت بود از ایمان و عمل صالح، و آنچه بر آن نظارت می‌کرد، شریعت بود و سنت. در واقع پیروی از آنچه سنت پیغمبر ﷺ خوانده می‌شد، ایده‌آل اخلاقی و معنوی بود برای هر مسلمان... مکارم اخلاقی که پیغمبر خود را برای اتمام و اکمال آن مبعوث می‌دید، برای یک مسلمان از پیروی سنت او به دست می‌آورد و بس. اسلام افراد و قبایل گوناگون را که آداب و انساب مختلف داشتند، در یک نوع برادری جهانی به هم پیوست و با این همه هیچ کس را مسئول کردار دیگری ندانست<sup>۲</sup> و حس مسئولیت فردی را در اخلاق خویش اساس معتبر شمرد. نه فقط برای اعراب، بلکه برای بسیاری از اقوام و نژادهایی که سرزمین آن‌ها به دست مسلمین فتح شد، اسلام میزان‌های تازه اخلاقی و تربیتی آورد که آن‌ها تا آن هنگام نمی‌شناختند.»<sup>۳</sup>

وی در ادامه به نقل از یکی از شرق‌شناسان درباره ویژگی و صفات اخلاقی

۱- مثنوی معنوی، کلاله خاور، ص ۲۳۹.

۲- اشاره به آیه ۱۶۴ سوره انعام.

۳- کارنامه اسلام، ص ۱۲۶.

جامعه اسلامی در دوره جنگ‌های صلیبی که عده زیادی از امرا و سلاطین اروپا به شرق اسلامی آمده بودند، می‌گوید:

در طی این جنگ‌های خونین دور و دراز، نصارای اروپایی غربی نشان دادند که در صفات مردانگی، پابندی به عهد و پیمان، و شفقت نسبت به ضعفا، هنوز می‌بایست چیزها از مسلمین فرا گیرند. حتی در بازرگانی، مرد مسلمان تحت تأثیر تربیت عملی اسلام، به‌طور کلی از لحاظ خوش‌قولی و اجرای تعهدات، بهتر از مسیحی بود... بارتلمی سن هیلر با بیانی دور از مبالغه می‌گوید:

«آنچه نزد اروپاییهای عهد جدید، صفات مسیحی خوانده می‌شود، اخلاق و آداب تهذیب یافته‌ای است که آن را از مسلمین فرا گرفته‌اند نه از مسیحیت. در این جنگ‌ها، برتری اخلاق مسلمین، حتی مایه اعجاب دشمن بود.»<sup>۱</sup>

#### جایگاه سیره اخلاقی پیامبر ﷺ

خاستگاه این همه تحوّل اخلاقی در جاهلیت عرب و در ادامه آن در هر جا که به‌گونه‌ای نام محمد ﷺ و اسلام طنین‌انداز شده بود و حتی آنچه که قرن‌ها بعد در تمدن بزرگ اسلامی از اخلاق و کرامت اسلامی،

در جهان رواج یافته بود، همه بازتاب برآیند سیره و روش شگفت‌انگیز شخص رسول الله ﷺ بود. بی‌سبب نیست که خداوند آن‌گاه که می‌خواهد در باب وصف پیامبرش سخن بگوید، او را به دارنده خُلُقِ عظیم می‌ستاید (قلم / ۴).

علامه طباطبایی مفسر نامی شیعه در ذیل این آیه و تفسیر آن می‌گوید:

«به دلالت سیاق، آیه ناظر به اخلاق رسول الله ﷺ در حوزه مسائل اجتماعی و معاشرت او با مردم است؛ با مصداق‌هایی از قبیل پایداری بر حق، صبر و حوصله بر آزار و اذیت مردم، گذشت و بخشش، چشم‌پوشی از اشتباهات دیگران، مدارا و نرم‌خویی، تواضع و...»<sup>۲</sup>

#### شیدایی امت

بازتاب همه ویژگی‌های اخلاقی رسول الله ﷺ در میان مردم، ایجاد امنیت و اعتماد عمومی بود. پیامبر اکرم ﷺ پناهگاه آرامش بود. همه این جرأت را به خود می‌دادند به ایشان نزدیک شوند؛ چرا که گمشده‌های معرفتی، ایمانی و اخلاقی را

۱- همان، ص ۱۳۲.

۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۶۹.

می‌توانستند در وجود مبارک رسول الله ﷺ پیدا کنند. طبق گزارش نویسنده کتاب محمد، المثل الکامل، جمع کثیری از اصحاب و مردم چنان شیفته پیامبر اعظم ﷺ بودند که هرگاه نام ایشان را می‌شنیدند یا درباره‌اش صحبت می‌کردند، سراپای وجود آنان را خشوع و خضوع فرا می‌گرفت؛ گویی هیبت و جلالت الهی در دل‌شان رسوخ کرده است.<sup>۱</sup>

نویسنده کتاب یاد شده، مواردی را به عنوان نمونه از شیدایی مردم برای رسول الله ﷺ برمی‌شمرد؛ از جمله نقل می‌کند:

«پیامبر ﷺ غلامی دارد به نام ثوبان، روزی بر ایشان وارد می‌شود با رنگ زرد، جسمی لاغر و ظهور حزن و اندوه در صورت. حضرت رسول الله ﷺ از حال او می‌پرسد؛ جواب می‌دهد: «ما بی من و جع»؛ هیچ‌گونه مریضی ندارم؛ فقط هرگاه شما را نمی‌بینم، وحشتی عجیب به من دست می‌دهد؛ به یاد آخرت می‌افتم که چگونه در آن جهان از تو جدا باشم؛ در حالی که شما در درجات پیامبران قرار داری و من از دیدن شما محروم می‌مانم!»

و باز در مورد عکس‌العمل زنی از انصار که در جنگ احد پدر، برادر و شوهرش کشته شده، می‌گوید:

«وقتی این خبر را می‌شنود، به جای اظهار اندوه و داد و فریاد بر کشتگان خود می‌پرسد: «ما فعل رسول الله ﷺ؟» پیامبر در چه حال است؟ می‌گویند: آن‌گونه که تو دوست داری آن زن می‌خواهد تا او را نزد پیامبر ﷺ ببرند؛ آن‌گاه که چشمش بر چهره ایشان می‌افتد می‌گوید: «کل مُصِیْبَة بَعْدَكَ صَغِيرَة»؛ همه سختی‌ها و مصیبت‌ها با سلامتی تو آسان است.

و زیباتر این که در احوال بلال به هنگام مرگ نقل می‌کند:

«وقتی خانواده او در غم از دست‌دانش می‌گیرند: «و اکرباه»؛ چه سخت است! بلال می‌گوید: «واطرباه»؛ چه لحظه زیبا و دل‌نشین است! فردا در بهشت به دیدار دوستان خواهم شتافت؛ محمد ﷺ و اصحاب او!<sup>۲</sup> بدین صورت است که زیباترین ارتباط و پیوند انسانی و خدایی میان پیامبر ﷺ و امت شکل می‌گیرد و خاطره‌انگیزتر از آنچه گفته شد، وصفی است که امام علی علیه السلام در هجران رسول خدا ﷺ بر خامه دل می‌آورد و با زبان تن بیان می‌کند:

«پدر و مادرم فدای تو یا رسول الله! با

۱- محمد المثل الکامل، ص ۳۵۰.

۲- همان ص ۳۴۷.

مرگ تو چیزی قطع گردید که با مرگ جز تو، از نبوت و احکام و اخبار آسمانی قطع نگردید. تو خصوصیت داری، چندان که از هر که جز خودت تسلی بخشی، و عمومیت داری چندان که مردم در ماتم تو یکسان‌اند. اگر نه این بود که به شکیبایی فرمان داده‌ای و از بی‌تابی نهی فرموده‌ای، سرچشمه اشک را بر (ماتم) تو خشک می‌کردیم و درد همچنان بی‌درمان و اندوه پیوسته بود؛ حال آن که این دو برای تو اندک است؛ اما مرگ چیزی است که راندنش ممکن نیست. پدر و مادرم فدایت، «أذکرنا عند ربك و اجعلنا من بالک»؛ نزد پروردگارت ما را به یاد آور و در خاطر خود ما را نگه دار.»<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام به عنوان نزدیک‌ترین همدم و یار رسول الله صلی الله علیه و آله بیش از دیگران به مقام معرفت و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشنا و واقف بود. امام علیه السلام از خاطرات خود چنین یاد می‌کند:

«من نخستین کسی بودم که به رسول الله گرویدم... و هم آخرین کسی بودم که از وی جدا گشتم و او را به خاک سپردم.»<sup>۲</sup>

«هر صبح و شب بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شدم و با من خلوت می‌کرد و در کارها و عبادات با او بودم و یاران می‌دانستند که پیامبر صلی الله علیه و آله با هیچ کس غیر از من چنین

رفتاری نداشت.»<sup>۳</sup>

### مبنای سیره رسول الله صلی الله علیه و آله

بدون تردید پیچیدن آوازه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمین حجاز و بلکه فراتر از آن، به شخصیت اخلاقی و سیره ایشان مربوط می‌شد؛ چه این که بسیاری ندیده شیدایش می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله جز به هدایت انسان‌ها نمی‌اندیشید و به تعبیر امام علی علیه السلام، طیب بود که همواره در جست‌وجوی بیمار بود با دارویی شفابخش؛ و مواضع درد را می‌شناخت.<sup>۴</sup> مبنای فعل اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرامت ذاتی انسان بود. هرگز اجازه نمی‌داد انسانی به خاطر ندانستن تحقیر شود و یا از جهل او سوء استفاده گردد. تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله برای زنده کردن شخصیت از دست رفته انسان‌ها بوده و هست؛ چنان که جایگاه زن را به عنوان نیمی از مخلوق عقلانی خداوند در روی زمین، به او بازگرداند. بسیار سُست و

۱- فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه، ص ۶۴۴.

۲- خاطرات امیرمؤمنان علیه السلام، ص ۲۴۳، به نقل از: خصال شیخ صدوق، ص ۶۷۸.

۳- همان، ص ۲۴۴.

۴- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۳۲۲.



مغرضانه است داوری پاره‌ای از شرق‌شناسان که حرمت نهادن به زن را در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر موضوعات موهوم حمل می‌نمایند؛ نگرشی که شخص رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن فضای جاهلیت عرب به حقوق زن به وجود آورد، نسخه‌ای است که هم‌اکنون درمان‌کننده مناسبات مخدوش و غلط حاکم بر جوامع پیشرفته است و آنان دیر یا زود به این حقیقت روی خواهند آورد که رسول الله، بهترین و کامل‌ترین تنظیمات حقوقی و اخلاقی را برای احقاق حقوق زن، ایجاد کرده است.

گزارش‌هایی که از سخنان و سیره حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط همسران ایشان در تاریخ ثبت شده، اثبات‌کننده این است که کانون خانواده در نگاه آن حضرت، بر اساس محبت با محوریت توحید پی‌ریزی می‌شود. چنان که نمونه‌هایی از زنان تربیت شده در مکتب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تاریخ وجود دارد که از نظر اخلاقی سبب شگفتی است که یاد کردن آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد؛ در این جا به عنوان نمونه تنها به یک مورد اشاره می‌شود:

مردی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده می‌گوید: من همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، همواره به من توجه می‌کند و آن‌گاه

که از منزل بیرون می‌روم مرا مشایعت می‌کند. هر وقت در چهره‌ام غم را مشاهده می‌کند، می‌گوید چه چیزی تو را ناراحت کرده است؛ اگر برای روزی و مخارج زندگی نگرانی، باید بدانی عهده‌داری روزی تو غیر تو است و اگر امور روز واپسین تو را غمگین ساخته خداوند همت تو را زیاد کند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ می‌دهد: «إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ؛ لها نصف اجر الشهيد»<sup>۱</sup>؛ همانا خداوند را کارگزارانی است و این زن از جمله آن‌هاست. برای او نیمی از پاداش شهید است.

بدون هیچ توضیحی درباره این واقعه، به سراغ اظهارات نویسنده غربی کتاب زندگی‌نامه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رویم:

«تضاد مسیحیت با جنس ماده بسیار جنون‌آمیز بود؛ زیرا کاملاً موجودیت زن را رد می‌کرد... اگر زن مسلمان امروز بعضی از ارزش‌هایی را که به عنوان آزادی به او پیشنهاد می‌شود، رد می‌نماید، نه به خاطر تعصب جاهلانه اوست؛ بلکه به این دلیل است که غرب در مورد روابط زن و مرد به گمراهی و بی‌هویتی دچار گردیده است. ما در حالی ادعای آزادی زن و مرد را به زبان

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

می‌آوریم که در تبلیغات، فیلم‌های شهوانی، مجله‌های پرونوگرافی و مجالس عیش و عشرت، از زن، چهره‌ای برده‌وار و بی‌ارزش ساخته‌ایم.»<sup>۱</sup>

بدین سان آشکار می‌گردد که جنس تحوّل و تغییرات در صدر اسلام با راهنمایی و ارشاد حضرت محمد ﷺ، از باب تحوّل اخلاق و فرهنگ بود؛ لذا وقتی جعفر بن ابی طالب در برابر پادشاه حبشه (نجاشی) قرار می‌گیرد، به وضعیّت پیش از اسلام این‌گونه اشاره می‌کند:

«ای پادشاه، ما قومی بودیم در جاهلیّت؛ به جای خدای یگانه، بت‌ها را می‌پرستیدیم؛ گوشت مردار می‌خوردیم؛ اعمال ناشایست انجام می‌دادیم؛ پیوند خویش را می‌بریدیم؛ حقوق همسایگان را فراموش کرده بودیم و قدرتمندان ما حقوق ناتوانان را ضایع می‌کردند.»<sup>۲</sup>

استاد شهید مطهری درباره‌ی روش زندگی پیامبر ﷺ می‌گوید:

«پیامبر در زندگی روش ساده را انتخاب کرده بودند. در همه چیز؛ در خوراک، پوشاک، در معاشرت‌ها و برخوردها و در تمام خصوصیات از اصل سادگی و سبک بودن مؤونه استفاده می‌کردند. پیامبر از به‌کار بردن روش ارباب که اغلب قدرتمندان عالم

از این روش استفاده می‌کنند، اجتناب می‌کردند.»<sup>۳</sup>

به تواتر در تاریخ ثبت شده است که رسول‌الله ﷺ همچون بندگان می‌نشستند: «أنه كان يجلس جلسة العبد»<sup>۴</sup>.

### تأديب الهی

با آنچه از سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ و تأثیر آن در تحولات اجتماعی صدر اسلام بیان شد، مفهوم این سخن ایشان که فرمودند: «بعثت لائم محاسن الاخلاق»<sup>۵</sup>؛ برانگیخته شدم تا خوبی‌های اخلاق را به اتمام برسانم، بیشتر روشن می‌شود. اخلاق در معنای گسترده آن عبارت است از همه هنجارها و ارزش‌هایی که رسول‌الله ﷺ اسوه کامل آن‌ها بود و پیش از دعوت و ابلاغ رسالت، همه مراحل کمال اخلاقی را طی کرده بود و پس از آن می‌توانست عهده‌دار هدایت مردم شود. بدین سان برای همه کسانی که می‌خواهند گام در مسیر طی شده

۱- زندگی‌نامه پیامبر اسلام، ص ۳۲۵.

۲- مجمع الزوائد الهیثمی، ج ۶، ص ۲۶.

۳- سیره نبوی، ص ۴۹.

۴- المحاسن برقی، ج ۲، ص ۴۴۱.

۵- قاموس شعائم، ص ۳.

رسول الله ﷺ بگذارند، اهتمام به اخلاق، بایسته است. امام صادق (ع) این مهم را در روایت ذیل این‌گونه بیان می‌کند:

«همانا خداوند عزّ وجلّ پیامبرش را به‌گونه‌ای نیکو تأدیب نمود؛ آن‌گاه که ادب را در شخصیت او به اكمال رساند، به او گفت: ﴿أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ از آن پس بود که امر دین و امت را به او تفویض نمود، تا این که رهبری و هدایت بندگانش را بر دوش گیرد.»<sup>۱</sup>

کامل بودن حضرت رسول اعظم ﷺ در اخلاق، اقتضا می‌کرد ایشان به همه زوایا و ابعاد رفتاری امت توجه داشته باشد؛ بر این اساس، آن حضرت بر هدایت و سعادت انسان حریص بود؛ نه تنها به مسلمانان، بلکه به همه انسان‌ها مهربانی می‌ورزید. دغدغه نجات مردم از ناراستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، خرافات، بهره‌کشی‌ها و آنچه با کرامت انسان ناسازگاری داشت، آرامش را از او ربوده بود و در مقابل، خداوند پاداشی نیکو و لذت‌بخش به او عنایت می‌فرماید:

«خداوند و ملائک او بر نبی درود می‌فرستند و شما نیز ای مؤمنان بر او درود بفرستید و تسلیم اوامر و هدایت او بشوید.» (احزاب / ۵۶).

در سطور پایانی این نوشتار، پاره‌ای از دقت‌ها و ظرایف اخلاقی پیامبر اعظم ﷺ که

در عمل و گفتار ایشان متجلی شده است، یاد می‌گردد. بی‌گمان تأمل و مذاقه در آن‌ها برای هر انسانی بسیار آموزنده و فرح‌بخش خواهد بود، به زندگی شادمانی و امید می‌بخشد، هدفمندی نظام هستی را معنی می‌کند، عدالت اخلاقی تفسیر می‌شود و فضیلت انسان تثبیت می‌گردد. بدون هیچ تفسیری به ذکر نمونه‌ها می‌پردازیم:

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید:

«كان رسول الله ﷺ يَتَقَسَّمُ لِحَفَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ، فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوِيَّةِ.»<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ لحظه‌هایی را که در میان اصحاب بود، به صورت تساوی تقسیم می‌نمود و به همگان یکسان نگاه می‌کرد.

۲- گاهی با دیدن وضعیت قرآن خواندن بعضی از افراد که با صداهای بلند ممکن بود برای دیگران اسباب مزاحمت فراهم نمایند، می‌فرمود: «أَلَا كَلِّكُمْ مَنَاجِ رَبِّهِ، فَلَا يُوذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ.»<sup>۳</sup>

همه شما با خداوند مناجات می‌کنید؛ پس مراقب باشید یکدیگر را آزار ندهید و صدایتان را در خواندن قرآن برای دیگران

۱- تفسیر العیاشی، ص ۲۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۱.

۲- الحیة، ج ۱، ص ۳۹۶.

۳- المغنی ابن قدامة، ج ۱، ص ۷۷۲.

بلند نکنید.

۳- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اصحاب نشستند که جنازه‌ای را از مقابل آنان عبور دادند. آن حضرت برخاست. به ایشان گفتند: این یک مرد یهودی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَلَيْسَتْ نَفْسًا؟» آیا یک انسان نیست؟!<sup>۱</sup>

۴- پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که با یک سخن زیبا به برادر مسلمان خود، محبت بورزد و او را مورد لطف قرار دهد و اندوه او را برطرف کند، همواره در سایه رحمت الهی خواهد بود.<sup>۲</sup>

### منابع و مأخذ

- ۱- آرمسترانگ، کارن، زندگی‌نامه پیامبر اسلام محمد، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۳.
- ۲- امام علی عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام (قطع کوچک)، تهران، انتشارات فقیه.
- ۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶.
- ۴- ابن قدامة، عبدالله، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، تحقیق جماعة من العلماء.
- ۵- انصاریان، علی، الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تهران، انتشارات مفید، ۱۳۵۷.
- ۶- برقی، احمد، المحاسن، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

- ۷- جاد المولی، محمد احمد، محمد المثل الكامل، الازهر، مطبعه محمد علی صبح، ۱۳۸۸ / ۱۹۶۸.
- ۸- جلال الدین محمد بلخی رومی، مثنوی مولوی، کلاله خاور.
- ۹- الحر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، احیاء التراث، ۱۴۱۴.
- ۱۰- حکیمی، محمد رضا، علی، محمد، الحیاة، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۲۹۹.
- ۱۱- خاتمی، احمد، فرهنگ‌نامه موضوعی نهج البلاغه، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
- ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- ۱۳- سقاف، حسن بن علی، قاموس شتائم، اردن، ۱۴۱۴.
- ۱۴- صورتی شعبان، خاطرات امیرمؤمنان، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۸.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳.
- ۱۶- عیاشی، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه، بی تا.
- ۱۷- کلینی، یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
- ۱۹- مطهری، مرتضی، سیره نبوی، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
- ۲۰- نسایی، عبدالرحمن، السنن الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
- ۲۱- الهیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸.

۱- السنن الکبری، ج ۱، ص ۶۲۶.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶.